

نامه سوم یوحنا

از طرف «یوحنا»، رهبر روحانی کلیسا

به غایوس عزیز، که او را از صمیم قلب دوست می‌دارم.

^۲ برادر عزیزم، از خدا می‌خواهم که در تمام کارهایت موفق باشی، و بدنت نیز مانند روح در سلامتی و تندرستی باشد. ^۳ وقتی برادران مسیحی ما به اینجا آمدند، مرا بسیار شاد کردند، زیرا به من خبر دادند که به حقایق الهی وفاداری و مطابق احکام انجیل رفتار می‌کنی. ^۴ برای من هیچ دلخوشی بزرگتر از این نیست که بشنوم فرزندانم این چنین از حقیقت پیروی می‌کنند.

^۵ برادر عزیز، تو خدمت مفیدی برای خدا انجام می‌دهی، زیرا از خادمین او که از آنجا عبور می‌کنند، پذیرایی می‌کنی. ^۶ ایشان در کلیسای ما از رفتار پر محبت تو تعریفها کرده‌اند. خوشحالم که ایشان را با هدایا و کمکهای خوب، روانه سفر می‌نمایم، ^۷ زیرا ایشان برای خدمت به خداوند سفر می‌کنند و پیغام انجیل را به کسانی که هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اند اعلام می‌نمایند، بدون آنکه کمکی از آنان دریافت دارند. ^۸ پس بر ما مسیحیان واجب است که به چنین افراد کمک کنیم تا ما نیز در خدمت خداوند، با ایشان شریک گردیم.

^۹ در این باره، قبلاً نامه‌ای مختصر به کلیسا نوشتم،

اما «دیوترزیس» مغرور، که می‌خواهد خود را رهبر مسیحیان آنجا جلوه دهد، مرا قبول ندارد و به سخنانم اعتنایی نمی‌کند. ^{۱۰} وقتی آمدم، اعمال نادرست او را برایت تعریف خواهم کرد، تا بدانی چه اتهامات و سخنان زشتی به ما نسبت داده است. او نه فقط خودش خدمتگزاران کلیسا را که در سفر هستند، پذیرایی و خدمت نمی‌کند، بلکه دیگران را نیز وادار می‌کند تا ایشان را به خانه خود نپذیرند، و اگر کسی به سخن او توجه نکند، او را از کلیسا بیرون می‌کند.

^{۱۱} برادر عزیز، نگذار رفتار بد او در تو اثر نماید. تو فقط به نیکی کردن پرداز، زیرا کسی که نیکی می‌کند، نشان می‌دهد که فرزند خداست، اما کسی که همواره خواهان بدی باشد، نشان می‌دهد که خدا را نمی‌شناسد. ^{۱۲} اما همه شهادت خوبی درباره «دیمتریوس» می‌دهند و این شهادت راست است. ما نیز می‌گوییم که او شخص خوبی است و می‌دانی که راست می‌گوییم.

^{۱۳} مطالب زیادی برای گفتن دارم، اما نمی‌خواهم همه را در این نامه بنویسم، ^{۱۴} زیرا امیدوارم بزودی تو را بینم تا حضوراً گفتگو کنیم. ^{۱۵} آرامش بر تو باد. دوستان همگی سلام می‌رسانند. سلام مرا به یکایک دوستان برسان.